

طرحی برای اظهار نظر

* ما با اعتقاد و ایمان راسخ به تنوع عقاید و افکار و آزادی بیان آن چه از مجرای وسایل ارتباط جمعی و چه از طریق تشکلهای مستقل جامعه مدنی محور بنیادی مبارزه در مرحله کنونی را اتحاد همه آزادی خواهان ضد قدرت انحصاری و غیرانتخابی در حول ضروریترین و اساسیترین خواست صدساله مردم ایران یعنی تلاش در برپائی حکومت قانون در چارچوب نظام جمهوری و برپایه رای آزاد و انتخاب آگاهانه مردم می دانیم

علی اصغر حاج سیدجوادی
شنبه ۹ فروردین ۱۳۸۲

از آنجا که مبرمترین و واقعیترین و عقلانیترین مشغله ذهنی کنونی ملت ایران در آخرین مراحل احتضار نظام جمهوری اسلامی یا ولایت مطلقه فقیه، بطلان عملی قانون اساسی آن براساس استقرار حاکمیت ملی و دولت قانونی و حذف نهائی هر مقام غیرمنتخب و خارج از نظارت قانونی و مستقیم نمایندگان واقعی ملت در قوای حاکم بر امور کشور و در چارچوب نظام جمهوری می باشد؛

از آنجا که ملت ایران سلطنت موروثی را به خاطر خیانت محمد رضا شاه در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ۲۵ سال حکومت خودکامه آمیخته با سرکوب و اعدام و زندان و شکنجه هزاران انسان آزادیخواه و تحمیل اختناق فرهنگی و غارت اقتصادی و انحطاط اجتماعی و عقب ماندگی سیاسی، در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ برای همیشه واژگون کرد؛

از آنجا که با توجه به آرمانهای انقلاب مشروطیت در صدسال پیش و جنبش ملی کردن صنعت نفت و تحکیم مبانی دموکراسی در نهادهای قانونی مملکت در پنجاه سال قبل و انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در ۲۴ سال پیش؛ استقرار حکومت قانون براساس انتخابات آزاد و تاسیس نهادهای قانونی مقننه و اجرائیه و قضائیه برپایه قانون اساسی پیراسته از هرگونه موازین بازدارنده اصولی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای ضمیمه آن پیش بینی شده است، هدف اساسی مبارزه کنونی ملت ایران را مشخص می کند؛

از آنجا که با گذر ۲۴ سال از عمر نظام جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه فقیه آن بر ملت ایران ثابت شده که اساس هر نظام سیاسی اگر مبتنی بر نظارت دائمی مستقیم مردم و یا حضور دائمی و کارساز نمایندگان واقعی آنها در نهادهای قانونی کشور نباشد تسلط بی محابای استبداد و خودکامگی و خشونت و فساد بر سراسر زندگی جامعه قطعیترین نتیجه کارکرد آن نظام می باشد؛

از آنجا که قدرت و حاکمیت از اساس برپایه تنوع افکار و عقاید و آزادی وجدان و ضرورت تبادل و تعامل اندیشهها بدون دستیازی به خشونت به حقانیت و مشروعیت میرسد و موجب همبستگی و تفاهم و همکاری در تشکلهائی می گردد که شکوفائی استعدادها و رشد بلوغ فکری نسلها را تضمین می کند؛

از آنجا که اساس انتخابی بودن و ادواری بودن قوای حاکم مملکت با رای مستقیم و مخفی مردم بدون دخالت هیچ فرد یا گروهی به نام مذهب یا ایدئولوژی تنها معیار حقانیت و مشروعیت نظام جمهوری به شمار می رود؛

از آنجا که با گذر از دو تجربه ویرانگر و ضد آزادی صدها ساله قدرت موروثی خودکامه سلطنت و قدرت خودکامه و انحصاری بیست و چهارساله دینی ولایت مطلقه فقیه هیچ راهی برای ملت ایران بجز تثبیت و تحکیم اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی ضمیمه آن در چارچوب نظام جمهوری باقی نمی ماند؛

همراه با اعلام بطلان نظام خودکامه ولایت مطلقه فقیه و هرگونه جریان که دین را وسیله و ابزار انحصاری دستیابی به قدرت سیاسی قرار دهد؛ جریان ضد آزادی خواهی و انتقامجویانه پهلوی طلبی در پرده مشروطه خواهی سلطنت را که هرگز در تاریخ چندین صدساله نظام پادشاهی ایران و مخصوصا در دوران پنجاه و سه ساله پهلویها وجود خارجی نداشته است محکوم می کنیم؛ این جریان نیز نظیر جریان ولایت فقیه هدفی جز بازگشت مجدد مردم ایران به اعماق ارتجاع و کیش پرستش شخصیت و تعبد کورکورانه مردم از فرمانهای مطاع ملوکانه ندارد.

این جریان را چیزی جز تکرار خیانتها و جنایات گذشته رژیم پهلوی و تلاش برای خدشه دار کردن امواج احساساتی که هر روز بیش از پیش بر ضد نظام ضد انسانی ولایت مطلقه آخوندها و آخوندنماها در فضای

پرتنش اجتماعی و سیاسی ایران اوج می‌گیرد نمی‌دانیم و این نوع سوء استفاده مجیلانه از تنگناها و ناامیدی‌های میلیون‌ها مردمی را که در برابر خشونت و تجاوز و توحش روزانه مزدوران رژیم ولایت مطلقه هدفی جز رهایی از چنگ جانوران آدمی خوار مذهبی نما ندارند؛ خیانت مطلق به این مردم و خدعه و جنایت به هزاران هزار انسان آزادی‌خواهی می‌دانیم که با چنگ و دندان برای آزادی از یوغ نظام بربریت آخوندی جان خود را فدا کردند و اکنون همچنان در سنگر مبارزه تا مرز شکنجه و زندان ایستاده‌اند.

با اتکا به اساسی‌ترین خواست‌های ضروری مردم ایران از دوران انقلاب مشروطه تاکنون که تاسیس حکومت قانون براساس رای آزاد و انتخاب مردم بدون تبعیض جنسی و نژادی و قومی و مذهبی بود؛ و با اتکا به این واقعیت که از انقلاب مشروطه تاکنون هیچگاه این اساسی‌ترین خواست ملت ایران در چارچوب یک نظام سیاسی پایدار به تحقق نه پیوسته است و با توجه به این که اکنون تمامی مشغله ذهنی مردم ایران درمقابل با رژیم خودکامه آخوندها در چارچوب همین خواست اساسی متمرکز شده است، خروج از چارچوب این اساسی‌ترین خواست را در هر شکل و هر مضمون و در زیر هر برچسب و کلیشه اعم از سلطنت مشروطه یا جمهوری خلق تک حزبی یا جمهوری اسلامی یا حکومت ولایتی و یا ولایت مطلقه فقیه؛ خواستی ضد انسانی؛ ضد حقوق بشری؛ ضد خردگرایی و ضد ضرورت دائمی جریان نقد اجتماعی و سیاسی در درون جامعه و در درون نهادها و بنیادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی آن می‌دانیم.

ما با اعتقاد و ایمان راسخ به تنوع عقاید و افکار و آزادی بیان آن چه از مجرای وسایل ارتباط جمعی و چه از طریق تشکل‌های مستقل جامعه مدنی محور بنیادی مبارزه در مرحله کنونی را اتحاد همه آزادی خواهان ضد قدرت انحصاری و غیرانتخابی در حول ضروری‌ترین و اساسی‌ترین خواست صدساله مردم ایران یعنی تلاش در برپائی حکومت قانون در چارچوب نظام جمهوری و برپایه رای آزاد و انتخاب آگاهانه مردم می‌دانیم؛

به نظر ما مسئله اتحاد و همبستگی نیروهای آزادی‌خواه در این روزهای سرنوشت ساز از این جهت به ضرورتی حیاتی تبدیل شده است که باردیگر نظیر پایان هر نظام خودکامه: سرنگونی و یا برکناری رژیم ولایت مطلقه فقیه به هر صورت و به هر شکل تبدیل به هرج و مرج و کشمکش و رقابت بر سر تصاحب قدرت نشود تا سرانجام دامنه هرج و مرج و ناامنی عرصه را بر مردم بی‌دفاع آنچنان تنگ کند که به استقرار یک استبداد و خودکامگی بزرگ شده به انواع وعده‌های طلائی و متکی به حمایت‌های جهانخواران بیگانه تسلیم شوند.

شیرازه این اتحاد به نقد خردپذیرانه و بی‌عقده گذشته و به قبول عقلانی واقعیت‌های موجود وابسته است.

فروردین ماه ۱۳۸۲